

نثر نویسندگان ایرانی و آسیای مرکزی در دورہٴ بہمنیان

دکتر صوفیہ صابر

رئیس دانشکدہ دولتی بانوان چونگ

دکتر سید محمد فرید

عضوہیات علمی گروہ فارسی، دانشکدہ ی خاورشناسی

دانشگاہ پنجاب لاہور پاکستان

BAHMANID PERIOD'S PERSIAN WRITERS OF IRANIAN AND CENTRAL ASIAN ORIGINS

Sofia Sabir, PhD

Principal Govt. College for Women, Chong, Lahore

Syed Muhammad Faid, PhD

Assistant Professor of Persian

Department of Persian, University of the Punjab, Lahore

Abstract

The Bahmanid Rule lasted in India from 1347 to 1527. The Bahminid Empire was founded by Alauddin Hasan Bahman. This is the period when fertility and richness of the Sub-continent attracted the people living in adjoining areas especially of Iran to a large extent. It is why numberless people migrated to the Sub-continent in search of a better and honorable living. Among them were Persian speaking people from Persia and Transoxiana. They made literary contributions and flourished in the Bahmanid Period. This article is an introductory study of the Persian prose writers and their books whose origin was either Iranian or Central Asian.

Keywords: شہ القارہ، بہمنی سلطنت، ایران، تغلقی ابراہیم مظفر
محمد شاہ، سلطان احمد شاہ، محمود گواراں

بهمنیان یکی از سلسله های مهم و قدیم سلطنتی شبه قاره است که از ۷۴۹ تا ۹۳۳ ق/ ۱۳۴۷-۱۵۲۲ م نزدیک به ۱۸۷ سال در دکن و مناطق اطراف آن حکمرانی کردند (فرشته: ۱۸۸۲ م: ج ۱: ص ۲۷۳؛ مشایخ فریدنی: ۱۳۷۲ ش: ص ۲۲۹) این سلسله سلطنتی با ضعف حکومت تغلق شاهیان به وجود آمد. عملاء الدین ابوالمظفر حسن گانگوی / گنگو بهمن شاه (۷۵۹-۷۹۱ ق/ ۱۲۹۱-۱۳۵۷ م) بنیانگذار خاندان شاهی بهمنیان در جنوب هند و نخستین شاه این دودمان (حک ۷۴۸-۷۵۹ ق/ ۱۳۴۷-۱۳۵۷ م) است. فرشته در کتاب خود حسن گانگوی را از سرداران محمد شاه تغلق (حک ۷۲۵-۷۵۲ ق/ ۱۳۲۴-۱۳۵۱ م) نوشته است (بزرگر: ۱۳۷۵ ش: ص ۱۷۹۳). وی به زودی ترقی کرد و در اواخر سلطنت تغلقیان رهسپار دکن شد و در آنجا قدرتی به هم رساند، و جمعی از ایرانیان و مهاجران خراسانی و تورانی را با خود همراه کرد و علم استقمال برافراشت (امیری: ۱۳۷۴ ش: ص ۱۸). عملاء الدین حسن در یکم ربیع الاول ۷۵۹ ق/ ۱۳۵۷ م درگذشت و پسر بزرگ و ولی عهدش ظفر خان، با عنوان محمد شاه یکم بر تخت شاهی نشست و مانند پدر خویش به گسترش مرزهای سلطنت بهمنی و جهاد توجه ویژه ای داشت (نظام: ۱۹۲۷ م: ج ۳: ص ۳؛ شروانی: ۱۹۷۸ م: ص ۷۴).

ابوالمظفر محمد شاه بهمنی (حک ۷۸۰-۷۹۹ ق/ ۱۳۷۸-۱۳۹۲ م) پادشاهی ادب و فرهنگ دوست بود. قرآن را نیکومی خواند و به خط خوب می نوشت و به فارسی و عربی فصیح سخن می گفت. دوره فرمانروایی فیروز شاه بهمنی (حک ۸۰۰-۸۲۵ ق/ ۱۳۹۷-۱۴۲۱ ش) به نبرد با شاهان همسایه و درگسترش قلمرو بهمنیان گذشت (طباطبانی: ۱۹۳۲ م: ص ۴۱) شهاب الدین احمد شاه یکم بهمنی، در دوره محمد شاه دوم بهمنی، نزد فضل الطله اینچو شیرازی تربیت و تعلیم یافت. (امیری: ۱۳۷۴ ش: ص ۲۸).

و در دوره فرمانروایی فیروز شاه (حک ۸۰۰.۸۲۵.ق/۱۳۹۷.۱۴۲۱.م) به مقام سپه سالاری / امیرالامرای رسید و لقب خان خانان گرفت و در بیشتر جنگ‌ها و فتوحات فیروز شاه شرکت کرد و نقش برجسته‌ای داشت. در دوره فرمانروایی خود (حک ۸۲۵.۸۴۹.ق/۱۴۲۱.۱۴۳۲.م) بیشتر با همسایگان نبرد داشت (نظام: ۱۹۲۷.م. ج ۳: ص ۴۱۴). احمد شاه را پادشاهی عادل، پارسا و درویش منش گفته‌اند که به علوم و فنون ظاهری و باطنی آراسته بود. در دوره او دانشوران، عارفان، ادیبان، هنرمندان و جنگاوران بسیاری از ایران و فرارود و عراق به دکن کوچیدند و به گونه‌ای مؤثر و چشمگیر بر نقاشی، معماری، سیاست، مذهب و دیگر وجوه زندگی مردم این سرزمین اثر نهادند (بزرگر: ۱۳۷۵. ج ۴: ص ۱۲۸). در دوره احمد شاه دوم بهمنی (حک ۸۳۸.۸۶۲.ق/۱۴۳۲.۱۴۵۷.م) صوفیان نامدار و سرایندگان ممتاز به دربار وابسته بودند که از آن میان می‌توان از نظیری طوسی و حکیم ازرقی نام برد. عبدا لعزیز بن شیر ملک بن محمد و اعظمی کتابی به فارسی در مناقب شاه نعمت‌الله ولی نوشت و به احمد شاه پیشکش کرد. شیخ ابراهیم مولتانی (۹۰۰.ق/۱۴۹۴.م) نیز کتاب چند دانشی خود معارف المعطوم را در دوره احمد شاه دوم تألیف کرد. گسترش مرزهای سلطنت بهمنی پی‌آمد مهمی به دنبال داشت که در نتیجه آنها این سلطنت منجر به تجزیه در ایالت‌های جدید مانند عماد شاهیان، نظام شاهیان، برید شاهیان و عماد شاهیان شد و خاندان بهمنی بر افتاد (بزرگر: ۱۳۷۵. ج ۴: ص ۱۲۸).

بهمنیان مانند اغلب پادشاهان مسلمانان شبه قاره تحت تاثیر فرهنگ ایرانی بودند و به ادب و شعر فارسی بسیار علاقه داشتند (امیری: ۱۳۷۴.ش: ص ۱۹). زبان فارسی زبان دربار و مراسلات رسمی آنها بود.

بسیاری از ارباب علم و ادب در عهد آنان فارسی گو و فارسی نویس بودند. شاهان بهمنی از فیض تربیت امرای ایرانی به شعر و ادب و زبان و شعرا و نویسندگان ایرانی متوجه می شدند. (بزرگر: ۱۳۷۵: ج ۴: ص ۲۰۰۳) ۱
میر فیض الله اینجو شیرازی، فیروز شاه بهمنی را متوجه علوم اسلامی و زبان و ادبیات ایرانی کرد. وی شعر فارسی را خوب می فهمید. هر سال به فرمان وی کشتی های خالی از بنا در دکن به نقاط مختلف و از جمله به سواحل ایران می آمدند و اهل فضل را به این خطه می آوردند (مشایخ فریدنی: ۱۳۷۲: ص ۲۲۹). مهاجران ایرانی که بسیاری از آنان اهل فضل و دانش و ادیب و هنرمند بودند، به جهات سیاسی و قصد گریز از سخت گیری های مذهبی، اوضاع نا آرام و مسایل اقتصادی به آن سرزمین روی می آوردند و در پرتو امنیت و گشاده دستی و فرهنگ دوستی شاهان و امیران دکنی به سر می بردند. اکنون شرح حال نویسندگان مهاجر در این دوره با نمونه های نثر آنان پرداخته می شود.

آذری اسفراینی / طوسی: فخرالدین حمزه فرزند علی ملک آذری طوسی بی همتی اسفراینی مروزی شاعر، عارف و نویسنده ایرانی الاصل است که به شبه قاره مهاجرت و چندین سال در دیارهای بهمنیان بسر برده است. آذری در ۷۸۴ ق / ۱۳۸۲ م اسفراین به دنیا آمد (حجتی: ۱۳۷۵: ج ۴: ص ۹؛ پیران: ۱۳۲۵: ص ۳۵۹). وی مدتی در طوس زندگی کرد و به نام "طوسی" نیز شهرت یافت. آذری پس از طی مراحل سلوک و دومین سفر حج و اقامت در مکه از آن دیار به شبه قاره رفت و در ۸۴۲ ق / ۱۴۲۸ م به دربار سلطان احمد شاه اول (حک ۸۲۵. ۸۴۸ ق / ۱۳۲۲. ۱۳۴۴ م) از سلاطین بهمنی دکن و گلبرگه پیوست و ملک الشعرا دربار وی شد (سبحانی: ۱۳۷۷: ص ۱۴۱) وی قصاید بلند و پرا

رزش در مدح او سرود و "پهمن نامه" را که از آثار ارزنده ادب فارسی است، به فرمان بهمان پادشاه در تاریخ آن خاندان منظوم کرد (فرزام: ۱۳۵۱ش:ص ۵). آذری سپس به وسیله شاهرزاده علاءالدین (حک ۸۲۸.۸۲۲ق/۱۴۳۴.۱۴۵۴م) پسر احمد شاه به خراسان بازگشت. وی در سن ۸۲ سالگی در ۸۲۲ق/۱۴۲۲م در اسفراین درگذشت و در بهمانجا در شمال شهر به خاک سپرده شد. آرامگاهش زیارت گاه مردم است. آذری اسفر اینی آثار متعددی به نظم و نثر به یادگار گذاشته است.

۱. دیوان شعری: دیوان شعری آذری دارای قصاید، غزلیات، ترجیع بند و مقطعات و رباعیات است. قصاید وی بیشتر در مدح خاندان رسول اکرم است و غزلیاتش رنگ عرفانی دارد. بیشتر کلام وی ساده و بی تکلف است (حجتی: ۱۳۷۵، ج ۴:ص ۹).

۲. پهمن نامه: پهمن نامه آذری دکنی، منظومه ای به بحر منقارب در تاریخ شاهان بهمنی دکنی، در پیروی شاهنامه فردوسی و اسکندرنامه نظامی سروده شده است. قاسم فرشته که تاریخ وی از مستند و مهمترین منابع اطلاعات درباره بهمنیان است، پهمن نامه را در منابع خود ذکر کرده است و ابیاتی از آن آورده است.

۳. مرآت / عجمانب الغرایب: مثنوی دیگر آذری طوسی که در عجایب و غرایب دنیا، شهرها، بناها، چشمه ها و جز آنها و مشتمل بر چهار باب است، باب اول، الطامة الكبرى در مراتب عالم علوی و سفلی و مراتب موجودات، حکمت و جود آدمی و جز آنها. باب دوم، غرایب الدنيا در عجایب جهان. باب سوم، عجایب الاعلی در عجایبی که در عوالم علوی و آسمان است. باب چهارم، سعی الصفا در تاریخ مکه و آداب و مناسک حج است.

(منزوی: ۱۳۲۵ش: ج ۴:ص ۳۰۰؛ حجتی: ۱۳۷۵ش: ج ۴:ص ۹)

۴. عروجیه: رساله منظوم دیگری از آذری طوسی که مشتمل بر چهار برگ است و دستنویس آن در دانشگاه تهران به شماره ۲۲۳۵۸ نگه داری می شود.

۵. جواهر الاسرار: از آثار دیگر آذری طوسی کتاب جواهر الاسرار است که در سال ۱۴۲۰ ق/ ۱۴۲۲ م در چهار باب در علم بلاغت و نقد شعر و سخن نوشته شده است. هریک از آن ابواب به چند فصل تقسیم شده است و آذری در آنها اسرار عرفانی، قرآن کریم و احادیث نبوی و کلام مشایخ تصوف و ابیات مشکل آنان را شرح کرده است. آذری بعداً روی آن تجدید نظر کرد. گزیده ای از این کتاب به نام منتخب جواهر الاسرار همراه با اشعة المسمعات جامی و برخی رساله های دیگر در ۱۳۰۳ ق/ ۱۸۸۲ م در تهران به چاپ رسیده است

فضل الله اینجوی شیرازی: میر فضل الله بن فیض الله حسینی اینجوی شیرازی، دانشمند دینی و ادیب و دولتمرد ایرانی الاصل سده هشتم هجری است. درباره آغاز زندگانی وی اطلاعات دقیقی در دست نیست. به گفته قاسم فرشته، فیض الله اینجوی شیرازی در دوره محمد شاه دزم بهمنی (حک ۷۸۰-۷۹۹ ق/ ۱۳۷۸-۱۳۹۲ م) منصب صدارت داشت و شعرای ایران را به دکن دعوت می کرد. پیش شاهان بهمنی برده، برای آنان صله های گران بهامی گرفت (بزرگر: ۱۳۷۵ ش: ج ۴: ص ۱۹۸۵).

منصور شیرازی: منصور بن محمد بن احمد بن یوسف بن فقیه الیاس شاعر، پزشک و نویسنده ایرانی او اخر سده هشتم و اوایل سده نهم هجری است که به شبه قاره مهاجرت کرد. از شرح حال زندگانی وی اطلاعات کافی در دست نیست. جز اینکه هر چه از آثارش بدست می آید.

منصور ظاهر ا در شیراز در خاندان معروف طبیبان آن شهر به دنیا آمد. دانش های روزگار به ویژه طب را در زادگاه خود فراگرفت و در همانجا به کار طبابت و تالیف کتابهای در طب پرداخت. آثاری به فارسی در پزشکی از او به یادگار مانده است.

۱. تشریح الابدان / تشریح منصورى: تشریح البدن یک مقدمه که در تعریف و تقسیم اعضا است، و پنج مقاله و یک خاتمه دارد و اعضای مرکبه و جنین تدوین یافته است و تصاویر اندامها در بردارد. این اثر با تصاویر در ۱۲۲۴ ق / ۱۸۴۷ م در دہلی به چاپ رسیده است. (احمد: ۱۹۲۴: ج ۱ ص ۵۲۲)

محمود گاوآن: خواجه عماد الدین محمود فرزند محمد گیلانی ملقب به خواجه جهان دولت‌مرد، ادیب، لشکری، انشاء‌نگار و شاعر ایرانی سده نهم هجری است که به شبه قاره مهاجرت کرد.

در باره تاریخ تولد وی آگاهی دقیقی در دست نیست. ولی چون به گفته فرشته، محمود در ۸۸۲ ق / ۱۴۸۱ م که هفتاد و هشت سال داشت، کشته شد. می توان تاریخ تولد او را حدود ۸۰۸ ق / ۱۴۰۵ م دانست. وی در دیهلی به نام "قاروان" یا "گاوآن" که از توابع گیلان بود، به دنیا آمد و به سبب زادگاهش وی به نام "محمود گاوآن" شهرت یافت (نوش آبادی: ۱۴۷۵ ش: ج ۴: ص ۲۴۰۲).

محمود گاوآن در دوره پادشاهی شمس الدین محمد شاه سوم (حک ۸۸۷-۸۹۷ ق / ۱۴۷۳-۱۴۸۲ م) به کمال ترقی رسید. محمود گاوآن به دستور محمد شاه بهمنی در ۸۸۲ ق / ۱۴۸۱ م کشته شد (فرشته: ۱۸۸۲ م: ص ۲۲۱). خواجه عماد الدین محمود گاوآن در فن نظم و نثر و انشا آثار ارزشمنند از خود به جا گذاشته است. مشهورترین آن هاریاض الانشاء و مناظر الانشاء است.

۱. ریاض الانشاء / منشآت خواجه جهان: این مجموعه از سرمشق‌های منشیان شمرده شده است. ریاض الانشاء دارنده یک صد و چهل و هشت مکتوب به شاهان، وزیران، بزرگان و دانشمندان است. این مجموعه یکی از آثار بلند آوازه فارسی زبانان آن سامان است.

این کتاب در سال ۹۲۸ م در حیدرآباد، به تصحیح شیخ چاند بن حسین احمد نگری ناگوری پاکستانی چاپ و منتشر شده است. خواجه در دیباچه آن می نویسد: که هنگام گرد آوری، در آن هادست برده و گسترش داده است تادیگران راسود مند افتد (نوش آبادی: ۱۳۷۵ ش ج ۴: ص ۲۳۰۲).

مناظر الانشاء: اثر دیگر معروف خواجه جهان، مناظر الانشاء در آیین ترسل و فن بلاغت است که در یک مقدمه، در مقاله و یک خاتمه تدوین یافته است. مقدمه کتاب در هشت فصل و در بردارنده اطلاعات گوناگون در ماهیت علم انشاء و موضوع و غایت آن و بلاغت و فصاحت است. در خاتمه کتاب از ماهیت خط و ضوابط آن سخن می رود. مناظر الانشاء در استانبول به چاپ رسیده است. نقیسی در کتاب نظم و نثر در ایران از دو کتاب دیگر خواجه به نام های قواعد الانشاء نام می برد و می نویسد که خواجه کتاب دوم را برای دانشمندان عراق و خراسان هدیه فرستاده است (طباطبانی: ۱۹۳۲: ص ۸۹)

عبدالکریم همدانی: عبدالکریم بن محمد نیم دهی / عبدالکریم نمید یمنی / نمیدهی، شاعر و تاریخ نگار ایرانی الاصل، سده نهم هجری است که به شبه قاره مهاجرت کرد. چنانکه از نسبت همدانی معلوم می شود که وی در همدان به دنیا آمد. تاریخ تولد، درگذشت، زمان مهاجرت به شبه قاره و شرح حال زندگی او اطلاعات دقیقی در دست نیست. جز اینکه

وی شخصی عالم و دانشمند بود و کارش را با خدمت به توران شاه، حاکم بندر ایرانی هرمز، آغاز کرد. (م.اسماعیل: ۱۳۷۵ش: ج ۴: ص ۱۷۲۰)

وی کتابی در احوال محمود گواران (مقتول. ۸۸۲ق/۱۴۸۱م) از ولادت تا شهادتش به نام "تاریخ محمود شاهي" در احمد آباد بیدر پایتخت سلاطین بهممنی تالیف کرد. محمد قاسم فرشته مؤلف تاریخ فرشته مطالبی از آن نقل کرده است (فرشته: ۱۸۸۴: ص ۳۵۷). بعضی از منابع گفته اند که وی پس از ۸۸۷ق/۱۴۸۴م به وطن خویش بازگشت و بعداً در ۸۹۲ق/۱۴۸۲م فرمانروای هرمز را برای مأموریتی سیاسی به بند، گویا گجرات فرستاد. عبدالکریم در آن جا به خدمت سلطان محمود بیگره، از سلاطین گجرات (حک ۸۲۳.۹۱۷ق/۱۴۵۸.۱۵۱۱م) درآمد و از محیط علمی دربار وی بهره برد و کتاب خود در تاریخ عمومی را به نام وی نوشت.

مآثر محمود شاهي / تاریخ محمود شاهي : از آثارش ، مآثر محمود شاهي / تاریخ محمود شاهي / الطبقات المحمود شاهيه و کنز المعانی را با نام عبدالکریم نمیدهی نیز یاد کرده اند و در برخی از منابع اشاره شده که این اثر به نام هیمان عبدالکریم همدانی باشد. از منابع عبدالکریم بن محمد نیم دهی را به عنوان نویسنده مآثر محمود شاهي ، اثری در تاریخ گجرات که در دو مقاله تنظیم شده ، یاد کرده اند. تاریخ نگارش آن را حدود ۹۳۰ق/۱۵۲۳م گفته اند . بسیاری امکان دارد که این هیمان اثر عبدالکریم همدانی باشد. دست نویسی از این نسخه به شماره ۵۳۹/۲ در کتاب خانه مدینه نگه داری می شود. (م.اسماعیل: ۱۳۷۵ش: ج ۴: ص ۱۷۲۰)

کتابشناسی

۱. احمد طهور الدین، ۱۹۱۴م، پاکستان میں فارسی ادب، ج ۱، لاہور.
۲. امیری کیومرث، ۱۳۷۴ش، زبان و ادب فارسی درہند، تہران.
۳. بزرگز، ۱۳۷۵، احمد شاہ دوم بہمنی، دانشنامہ ادب فارسی، بہ سرپرستی حسن انوشہ، ج ۴، تہران.
۴. بزرگز، ۱۳۷۵، علاء الدین حسن بہمنی، دانشنامہ ادب فارسی، بہ سرپرستی حسن انوشہ ج ۴، تہران.
۵. بزرگز، ۱۳۷۵، فضل اللہ اینجوری شیرازی، دانشنامہ ادب فارسی، بہ سرپرستی حسن انوشہ ج ۴، تہران.
۶. بزرگز، ۱۳۷۵، فیروز شاہ بہمنی، دانشنامہ ادب فارسی، بہ سرپرستی حسن انوشہ، ج ۴ تہران.
۷. ہجتی، ۱۳۷۵ش، آذری طوسی، دانشنامہ ادب فارسی، بہ سرپرستی حسن انوشہ، ج ۴، تہران.
۸. سبحانی توفیق، ۱۳۷۷ش، نگاہی بہ تاریخ ادب فارسی درہند، تہران.
۹. طباطبائی حسنی، ۱۳۶۱م، برہان مآثر بہ کوشش سید ہاشمی فرید آبادی، دکن.
۱۰. فرشتہ، ۱۸۸۲م، تاریخ فرشتہ، ج ۱، کانپور.
۱۱. م. اسماعیل، ۱۳۷۵ش، عبد الکریم ہمدانی، دانشنامہ ادب فارسی، بہ سرپرستی حسن انوشہ، ج ۴، تہران.
۱۲. مشایخ فریدونی، ۱۳۷۲ش، خدمات بہمنیان بہ نشر فرهنگ و تمدن ایرانی در دکن، مجموعہ سخنرانی ہا، سیمینار پیوستگی ہای فرہنگی ایران و شبہ قارہ، ج ۱، اسلام آباد.
۱۳. منزوی احمد، ۱۳۶۴ش، فہرست نسخہ ہای خطی فارسی پاکستان، اسلام آباد.
۱۴. نظام الدین، ۱۹۲۷م، طبقات اکبری، ج ۳، کلکتہ.
۱۵. نوش آبادی، ۱۳۷۵ش، محمود گوان، دانشنامہ ادب فارسی، بہ سرپرستی حسن انوشہ، ج ۴، تہران.

